

مدل یابی معادلات ساختاری پیش‌بینی تعارضات زناشویی بر اساس عملکرد خانواده مبتنی بر الگوی مک‌مستر، با میانجی‌گری نگرش به خیانت در زوجین شهر شیراز

طاهره رضائی^۱

ناصر امینی*^۲

عزت دیره^۳

نازنین هنرپروران^۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۴/۲۶

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۱/۴

چکیده

یکی از الگوهای مهم در زمینه بررسی کارکرد خانواده، الگوی کارکرد خانواده مک‌مستر است، پژوهش حاضر با هدف مدل‌یابی معادلات ساختاری پیش‌بینی تعارضات زناشویی بر اساس عملکرد خانواده مبتنی بر الگوی مک‌مستر، با میانجی‌گری نگرش به خیانت در زوجین شهر شیراز انجام گرفت. این مطالعه همبستگی و از نوع معادلات ساختاری است که تعداد ۳۰۰ نفر از زوجین در حال تعارض شهر شیراز به روش تصادفی انتخاب شدند. شرکت‌کنندگان پرسش‌نامه‌های تعارضات زناشویی (MCQ)، سنجش خانواده (FAD)، نگرش به خیانت زناشویی را تکمیل کردند. جهت تحلیل یافته‌ها از روش معادلات ساختاری و ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون استفاده شد. نتایج به‌دست‌آمده نشان داد که بین خرده‌مقیاس‌های کارکرد خانواده با تعارضات زناشویی و نگرش به خیانت ارتباط معناداری وجود دارد ($P < 0.05$). بنابراین بر اساس یافته‌های به‌دست‌آمده در این مطالعه می‌توان گفت که جدا از عوامل اثرگذار کارکرد خانواده، تعارضات زناشویی و نگرش به خیانت در زوجین به عنوان متغیرهای واسطه در جهت بهبود و پایداری نظام خانواده نقش اساسی دارد و باید مدنظر قرار گیرد.

واژگان کلیدی: تعارضات زناشویی، عملکرد خانواده، الگوی مک‌مستر، خیانت زوجین.

۱. دانشجوی دکتری روانشناسی عمومی، گروه روانشناسی، واحد بوشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، بوشهر، ایران.

۲. استادیار، گروه روانشناسی، واحد بوشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، بوشهر، ایران. (نویسنده مسؤول). n.amini@iaubushehr.ac.ir.

۳. استادیار، گروه روانشناسی، واحد بوشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، بوشهر، ایران.

۴. استادیار، گروه مشاوره، واحد مرودشت، دانشگاه آزاد اسلامی، مرودشت، ایران.

مقدمه

نهاد خانواده یکی از محوری‌ترین محیط‌های تربیتی است که در حفظ سلامت روانی^۱، اجتماعی و جسمانی فرد نقش به‌سزایی دارد. محیط خانواده مکان امنی برای افراد به حساب می‌آید که قادر است آرامش، رفاه و ارضای نیازهای عاطفی، فیزیولوژی و شکوفا شدن استعداد در اعضای خانواده ایفای نقش اعضا و ارتباطات منطقی در آن به شکلی مناسب برقرار باشد. اعضای خانواده هر یک ممکن است دارای ویژگی‌هایی باشند که خانواده را به سمت تعالی یا سقوط بکشانند. از آنجایی که رضایت زناشویی^۲ باعث استحکام روابط خانواده و افزایش راندمان کار و ایجاد جامعه‌ای سالم و پویا می‌شود، کاهش تعارضات زناشویی از ضروریات است. تعارض خیلی زیاد پیامدهای ناگواری را برای زوجین و خانواده ایجاد کرده، زمینه فروپاشی رابطه را فراهم می‌کند. بنابراین مداخله در ازدواج، آرام کردن و کاهش پریشانی زوج به خاطر پیامدهای منفی شدید مرتبط با آن حائز اهمیت است (روی^۳، ۱۹۹۸). تعارض نتیجه طبیعی و اجتناب‌ناپذیر ارتباطات انسانی است (کانتک و گزر^۴، ۲۰۰۹).

زیربنای اکثر روابط صمیمانه احساس رنجش یکی از زوجین است و زبان بدن در انعکاس و بروز عواطف زیربنایی در تعارضات نقش اساسی دارد. به همین دلیل توجه کمتر به محتوای تعارض و توجه بیشتر به نحوه بیان تعارض از اهمیت زیادی برخوردار است. مفهوم تعارض به عدم توافق بین همسران بر می‌گردد (هوشمندی، احمدی و کیامنش، ۱۳۹۸) و به این معناست که فرد بین اهداف، انتظارات و نیازها یا امیال شخصی خود و طرف مقابلش ناهمسازی و ناهمخوانی می‌بیند (کالیان و سیوگک^۵، ۲۰۰۹) که در رابطه زناشویی و وقتی که همسران به‌عنوان زوج نقش‌های خود را برعهده می‌گیرند ممکن است بعضی از آنها محقق شود و بعضی ناتمام بماند، لذا وضعیت تنش و استرس^۶ بین همسران ایجاد می‌شود (تولورنلک^۷، ۲۰۱۴).

امروزه علل تعارضات زناشویی به یک مسأله بسیار مهم که بر رابطه هر زن و شوهری تأثیرگذار است تبدیل شده است (امبی وایریر^۸، ۲۰۱۷). کولینز، وقوع تعارض بین زن و مرد را وابسته به منابع قدرت آنها و نیز استرس‌هایی که در طول زندگی آنها رخ می‌دهد نسبت می‌دهد، منابع قدرت شامل وضعیت اشتغال زن و مرد، شبکه روابط اجتماعی هرکدام از آنها، مشکلات جنسی، میزان درآمد و میزان تحصیلات است، وقایع استرس‌آور زندگی خانوادگی می‌تواند مثبت یا منفی باشد، وقایع منفی، مثل بیکاری و از دست دادن شغل، ورشکستگی و مسائل مالی،

-
- 1 . Mental Health
 - 2 . Marital Satisfaction
 - 3 . Roy
 - 4 . Kantek, F& Gezer, N
 - 5 . Callian, T& Siewgeok, L
 - 6 . Stress
 - 7 . Tolorunleke, C.A
 - 8 . Mbwirire, J

بیماری‌ها و نظایر آن ممکن است تعارض‌هایی را در خانواده‌ها به وجود آورد. از دیدگاه سکستون، تعارض هنگامی رخ می‌دهد که چیزی رضایت را برای شخص فراهم کرده، در حالی که همان چیز برای دیگری محرومیت را به دنبال داشته است. درمانگران سیستمی^۱ تعارض را ناشی از هر نوع تنازع بر سر تصاحب پایگاه و منابع قدرت در بین زوجها می‌دانند (یانگ و لانگ،^۲ ۱۹۹۸). پژوهش‌ها در زمینه تأثیرات مخرب تعارضات زناشویی نشان می‌دهند که تعارضات زناشویی تأثیرات زیان‌آوری بر سلامت جسم، روان و خانواده دارد (فینچمن و بیچ،^۳ ۱۹۹۹)؛ همچنین تعارضات زناشویی با پیامدهای مهم در خانواده همانند فرزندپروری ناکارآمد، سازگاری ضعیف فرزندان، افزایش احتمال تعارضات والد - فرزندی مرتبط است (گریش و فینچمن،^۴ ۲۰۰۱). شواهد نشان می‌دهد که سطح بالای تعارض زناشویی با روابط اعضای خانواده ارتباط دارد (لیندسی، کولول، فرابوت و مک‌کین،^۵ ۲۰۰۶)؛ بر این اساس از بین عوامل مؤثر بر تعارضات زناشویی که به بروز طلاق^۶ منجر می‌شود، می‌توان به عملکرد خانواده اشاره کرد. در تعریف عملکرد خانواده^۷ گفته می‌شود که عملکرد خانواده، تلاش مشترکی برای برقراری و حفظ تعادل در خانواده است (ثنایی، ۱۳۹۶)؛ عملکرد خانواده به توانایی در هماهنگی با تغییرات، حل تضادها و تعارض‌ها، همبستگی بین اعضا و موفقیت در اعمال الگوهای انضباطی، رعایت حد و مرز بین افراد، اجرای مقررات و اصول حاکم بر این نهاد با هدف حفاظت از کل نظام خانواده است. تغییرات کمی و کیفی در این فرایند باعث شکل‌گیری شخصیت متفاوت در خانواده می‌شود و در بیشتر موارد با وجود اینکه ممکن است پشتوانه‌ای برای سلامت رفتاری افراد باشد، مشکلات رفتاری خاصی را ایجاد می‌کند که به عوامل متعددی بستگی دارد (کدیور، اسلامی و فراهانی، ۱۳۸۲).

عملکرد کل خانواده را می‌توان در ابعاد مختلفی نظیر حل مشکل^۸، ارتباط^۹، نقش‌ها^{۱۰}، همراهی عاطفی^{۱۱}، آمیزش عاطفی^{۱۲} و کنترل رفتار^{۱۳} بررسی کرد (ثنایی، ۱۳۹۶)؛ در این زمینه پژوهش‌های متعددی بر نقش ساختار و عملکرد خانواده شامل حل مشکل و ابراز عواطف تأکید کرده‌اند (کدیور، اسلامی و فراهانی، ۱۳۸۲). پژوهش‌ها نشان داده‌اند که عملکرد خانواده در ایجاد تعارضات زناشویی مؤثر است؛ همچنین شواهد نشان داده که کیفیت روابط خانوادگی در

- 1 . Systemic therapists
- 2 . Yong, E.M & Long L
- 3 . Fincham, F& Beach, S
- 4 . Grish, J.H & Fincham, F.D
- 5 . Lindsey, E.W., Colwell, M.G., Frabutt, G.M, MacKinnon. Lewis, C
- 6 . Divorce
- 7 . Family performance
- 8 . solving problem
- 9 . Relationship
- 10 . Roles
- 11 . Emotional companionship
- 12 . Emotional mixing
- 13 . Behavior control

خانواده‌های طلاق و غیرطلاق متفاوت است، به طوری که در خانواده‌های طلاق تعارضات زناشویی بیشتری مشاهده شده است. این مشاهده‌ها نشان می‌دهد که تعارضات زناشویی یکی از عوامل طلاق است (اپستین، بالدین و بیشاپ^۱، ۱۹۸۳).

بخشی پور و همکاران (۱۳۹۰) در پژوهش خود با عنوان رابطه عملکرد خانواده با تعارضات زناشویی زوج‌های در آستانه طلاق نشان دادند که از بین متغیرهای پیش‌بین، عملکرد کلی، حل مشکل، نقش‌ها، همراهی عاطفی و آمیزش عاطفی با متغیرهای ملاک رابطه معناداری دارند. الگوی مک‌مستر^۲ در مورد ارزیابی عملکرد خانواده، بر رویکرد سیستمی استوار است که در آن ساختار، چگونگی سازماندهی و الگوهای تبدیلی خانواده مورد بررسی قرار می‌گیرد. اصول بنیادی این الگو عبارتست از: ارتباط بین بخش‌ها و اجزای خانواده با یکدیگر، قابل درک نبودن یک جزء جدای از سایر اجزای خانواده، نقش مهم ساختار و الگوهای تعاملی خانواده در تعیین و شکل‌دهی رفتار اعضای خانواده و اینکه کارکرد خانواده، چیزی است بیش از کارکرد مجموع اجزای آن. الگوی مک‌مستر، عملکرد خانواده را در سه دسته وظایف بنیادی (شامل موارد فطری و ذاتی چون تدارک غذا و سرپناه، مهرورزی، عاطفه و ...)، وظایف رشدی (شامل مسائل مربوط به رشد فردی چون نوزادی، کودکی و ... و مسائل مربوط به مراحل خانواده چون ازدواج اول، اولین بارداری، تولد اولین فرزند) و رویدادهای مخاطره‌آمیز (شامل بحران‌های مربوط به بیماری، تصادف، بیکاری و ...) دسته‌بندی می‌کند. طبق الگوی مک‌مستر، ابعاد مهم عملکرد خانواده، عبارتند از: حل مسأله، ارتباط، نقش‌ها، پاسخ‌دهی عاطفی، آمیزش عاطفی و کنترل رفتار (زهراکار و جعفری، ۱۳۹۳).

تمام خانواده‌های دارای عملکرد ضعیف، در زمینه موضوعات عاطفی مشکل داشته، اغلب از طی فرایند حل مسأله عاجزند، در این خانواده‌ها، ارتباطات نادیده گرفته شده یا فاقد صلاحیت است، تخصیص و پاسخ‌دهی نقش، مشخص و واضح نیست، گستره واکنش‌های هیجانی، محدود بوده، کمیت و کیفیت این واکنش‌ها، متناسب با بافت و محیط، غیر عادی است، در عین حال، اعضای خانواده به یکدیگر علاقه‌ای نداشته، در مورد یکدیگر، اقدام به سرمایه‌گذاری عاطفی نمی‌کنند، آنچه مینوچین از آن تحت عنوان خانواده‌های گسسته نام می‌برد (زهراکار و جعفری، ۱۳۹۳). لزوم توجه به روابط صمیمانه و حاکی از تفاهم در پیوندهای زناشویی، موضوعی است که تأکید بر آن از سوی همه توصیه گردیده، مه‌ری که ضامن خرسندی، شادمانی و بقای خانواده است (مستوفی سرکاری، قمری و حسینیان، ۱۳۹۸).

وارینگ^۳ (۲۰۱۰) بر این باور است که فرصت‌های ایجاد صمیمیت بین همسران، عنصر مهم در عملکرد بهنجار^۴ خانواده است. لذا، کیفیت و کمیت صمیمیت بین همسران، تعیین‌کننده محیط

1 . Epstein, N.B, Baldwin, L.M, Bishop, D.S

2 . Pattern based McMaster

3 . Waring, E.M

4 . Normal performance

و عملکرد خانواده محسوب می‌شود. هالبنگش با استناد به کثرت عواملی که زوج را در تمام مراحل زناشویی‌اش همراهی می‌کنند، معتقد است فقدان عشق و روابط صمیمانه اگرچه موجب زوال خانواده نمی‌شود، لیک برای سعادت خانوادگی امری ضروری است، از این روست که همزیستی و روابط تام زوجیت بدون هاله مهر به تبلور دشواری‌ها، اختلال^۱ در ارتباطات و در نهایت تزلزل در بنای خانه می‌انجامد (مستوفی سرکاری، قمری و حسینیان، ۱۳۹۸). لذا با توجه به اهمیت حفظ خانواده در جایگاه تثبیت‌شده آن به صورت یک خانواده متعادل، شناخت عوامل مرتبط با تقویت بنیان خانواده ضروری به نظر می‌رسد. یکی از آسیب‌هایی که خانواده‌ها را در معرض فروپاشی قرار می‌دهد، پدیده خیانت زناشویی است (خسروی، حیدرنیا و نظیفی، ۱۳۹۸).

بررسی‌ها در زمینه عوامل مرتبط با خیانت زناشویی نشان می‌دهند که به‌طور کلی این عوامل در سه حیطه تفاوت‌های فردی (مانند ویژگی‌های شخصیتی^۲ و نگرش‌ها)، ماهیت رابطه (سطح تعهد و رضایت از رابطه) و شرایط محیطی (مانند فرصت خیانت یا جذابیت فرد سوم) گنجانده می‌شود (شریفی، حاجی حیدری و خوروش، ۱۳۹۱). نگرش را "آمادگی برای بعضی از انواع واکنش‌ها" تعریف کرده‌اند. نگرش‌ها به‌عنوان شاخص‌ها یا عوامل پیشگویی رفتار شناخته می‌شوند. به‌علاوه، تغییر دادن آنها می‌تواند یک سرآغاز معنی‌دار برای تعدیل رفتار باشد (ستوده، ۱۳۹۷).

نگرش‌ها با توجه به تعاریف مزبور، در زمینه‌سازی و شکل‌دهی به رفتارها، ایجاد انگیزش، ارضای نیازها و جهت‌دهی به گرایش‌ها تأثیر جدی دارند (اهرمیان، سودانی و غلامزاده جفهره، ۱۳۹۹). در واقع مردان و زنان از دید تکاملی دو نگرش و رفتار ناهمگون به خیانت دارند (شاکلفورد، باس و بنت^۳، ۲۰۱۰). لذا می‌توان بر اساس گفته بایرز^۴ (۱۹۹۶) نتیجه گرفت، که همه اعمال افراد در زندگی، به نگرش‌های خود افراد بستگی دارد. نگرش نسبت به خیانت زناشویی همان احساسات و تفکر افراد نسبت به مسائل مربوط به خیانت زناشویی است (واتلی^۵، ۲۰۰۸). پژوهش‌ها نشان داده‌اند که نگرش به خیانت با آشفتگی‌های خانوادگی، مشکلات هیجانی و احساس تنهایی رابطه معناداری دارد (ویشمن، شلدون و گئورینگ^۶، ۲۰۰۰). نگرش مجموعه‌ای نسبتاً پایدار از باورها، احساسات و گرایش‌های رفتاری نسبت به اشخاص، گروه‌ها، حوادث یا نهادهای اجتماعی است (هوگ و واگن^۷، ۲۰۰۵؛ به نقل از یوساگ، ۲۰۱۶). در واقع نگرش، موقعیتی است که فرد به سوی اشخاص یا چیزهای خاصی می‌رود (یوساگ، ۲۰۱۶)؛ بنابراین نگرش به خیانت زناشویی را می‌توان مجموعه‌ای نسبتاً پایدار از باورها، احساسات و گرایش‌های رفتاری نسبت به برقراری رابطه فیزیکی یا عاطفی یا ترکیبی از این دو با شخصی خارج از رابطه زناشویی تعریف کرد.

1 . Disorder

2 . personality trait

3. Shakelford, T.K., Buss, D.M., & Bennett, K.

4 . Byers, E. S.

5 . Whatley, M.

6 . Wishman, M. A, Sheldon, C. T., Goering, P.

به عبارتی دیگر، فرد ارزیابی مطلوبی از خیانت زناشویی دارد و بنابراین، افرادی که نگرش مثبتی به خیانت زناشویی دارند، این موضوع را مطلوب تلقی می‌کنند و بیشتر به خیانت زناشویی تمایل دارند؛ در نتیجه، بیشتر احتمال دارد درگیر روابط فرازناشویی شوند (واتلی، ۲۰۰۸)؛ خیانت زناشویی می‌تواند پیامدهای فاجعه‌باری برای فردی که خیانت کرده، همسرش، رابطه زناشویی، خانواده بلافصل و خانواده دور فرد داشته باشد (اسنایدر و باکوم، ۲۰۰۷). زوجینی که با مشکل خیانت زناشویی وارد درمان می‌شوند، نسبت به زوجینی که با مشکلات دیگر مراجعه می‌کنند بیشتر احتمال دارد که از هم جدا شوند و طلاق بگیرند (گلس، ۲، ۲۰۰۳).

خیانت زناشویی یکی از عمده‌ترین دلایلی است که زوجین را برای طلاق، به کلینیک‌های مشاوره خانواده می‌آورد (هاوکینز، ویلوگی و دورتی، ۳، ۲۰۱۲). همچنین حدود ۴۰ درصد از افرادی که طلاق گرفته‌اند گزارش کرده‌اند که در طول زندگی زناشویی حداقل یک بار درگیر روابط خارج از حیطه زناشویی شده‌اند (جونز و جونز، ۴، ۱۹۹۳). به علت پیامدهای بسیار منفی و ویرانگر خیانت، ممکن است تصور شود که وقوع خیانت در روابط زناشویی امری نادر است (یاس و شاکلفورد، ۵، ۱۹۹۷). به‌طور کلی هرچند بعضی از زوجین در صورتی که از خیانت به‌عنوان نشانه‌ای برای شناسایی مشکلات دیرپای ازدواج خود استفاده کنند، می‌توانند بعد از خیانت ازدواج پایدارتری داشته باشند؛ ولی پیامد غالب و معمول خیانت، استرس‌ها و آسیب‌های روابط زناشویی است (چارنی و پرناس، ۶، ۱۹۹۵). پژوهش‌ها نشان داده‌اند که پیامدهای زیان‌بار خیانت می‌تواند برای مدت طولانی و شاید برای همیشه دوام داشته باشند، مگر اینکه زوجین درمان مناسبی دریافت کنند (باکوم، اسنایدر و گاردون، ۷، ۲۰۰۹).

نظریه‌پردازان مبادله اجتماعی رابطه زناشویی را به عنوان یک فراگرد مبادله در نظر گرفته، معتقدند که افراد با یک سری نیازها یا انتظارات وارد ازدواج می‌شوند و هنگامی که فواید رابطه انتظار را برآورده نکنند یا نسبت هزینه بالا باشد بروز اختلاف محتمل خواهد بود (حسینی، ۱۳۸۶). با توجه به این امر که خانواده اولین و مهم‌ترین نظام ارتباطی برای هر فرد به شمار می‌رود و زمینه و بستر مناسبی برای ایجاد سلامت جامعه است همچنین با نظر به آثار و پیامدهای مختلفی که تعارض زناشویی بر زندگی خانوادگی دارد و با توجه به مبانی نظری و پژوهشی که اشاره گردید، این پژوهش به دنبال بررسی مدل معادلات ساختاری پیش‌بینی تعارضات زناشویی بر

1 . Snyder, D.K & Baucom, K.C

2 . Glass, S.P

3 . Hawkins, A.J., Willoughby, B.J., Doherty, W.J.

4 . Janus, S.S & Janus, C.L.

5 . Buss, D.M & Shackelford, M.

6 . Charny, I.W & Parnass, S.

7 . Baucom, D.H., Snyder, D.K., Gordon, K.C

اساس مقیاس عملکرد خانواده مبتنی بر الگوی مک‌مستر با میانجی‌گری نگرش به خیانت در زوجین شهر شیراز است.

روش تحقیق

پژوهش حاضر همبستگی از نوع معادلات ساختاری است. جامعه آماری پژوهش تمام زوج‌های شهر شیراز بودند. با توجه به اینکه جامعه مورد نظر شامل افرادی است که به دلیل وجود تعارضات زناشویی به مراکز مشاوره شهر شیراز مراجعه کرده بودند، ضمن رعایت اصول اخلاق مربوط به مشاوره و روان‌درمانی و جلب رضایت آنان، از آنها خواسته شد که به پرسش‌نامه‌های پژوهش با توجه به شیوع کرونا و محدودیت‌های موجود به صورت آنلاین پاسخ نمایند. در این پژوهش حجم نمونه بر اساس دستورالعمل بنتلر و بونت^۱ (۱۹۸۰) به ازای هر متغیر ۱۵ نفر با توجه به اینکه نمونه‌های انتخاب شده ۳۳۱ نفر بودند، از این تعداد ۳۱ نفر ریزش داشته و در نهایت ۳۰۰ نفر از طریق قرعه‌کشی با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی^۲ انتخاب گردیدند؛ قابل ذکر است که جهت انتخاب تصادفی نمونه‌ها با توجه به نام‌نگاری‌های صورت گرفته با اداره کل بهزیستی فارس و همچنین مجوز مرکز وکلا، کارشناسان رسمی و مشاوران خانواده قوه قضاییه به کلیه پرونده‌های مراجعین این حوزه دسترسی پیدا کردیم و پس از آن به صورت قرعه‌کشی ۳۰۰ پرونده انتخاب گردید؛ همچنین با توجه به این که برخی از مراکز سازمان بهزیستی، همکار قوه قضاییه نیز محسوب می‌شوند که از طریق سامانه طلاق افرادی که متقاضی طلاق در دادگاه‌ها هستند به این مراکز ارجاع و می‌بایست به مدت ۳ ماه و حداقل در ۳ جلسه برای بررسی وضعیت سازش مراجعه نمایند، لذا گروه نمونه پژوهش از مراکزی در نظر گرفته شده است که همکار قوه قضاییه محسوب می‌شود. ملاک‌های ورود شرکت‌کنندگان در این پژوهش شامل رضایت جهت همکاری در پژوهش، گذشت ۵ سال از زندگی مشترک و زوجینی که درگیر تعارضات زناشویی هستند که به این علت به مراکز مشاوره و روان‌درمانی شهر شیراز مراجعه کرده، بود. برای تحلیل داده‌های و بررسی مدل پژوهش، از روش معادلات ساختاری استفاده شده است. بر مبنای این مدل، مؤلفه تعارضات زناشویی به عنوان متغیر پیش‌بین (مستقل)؛ نگرش به خیانت به عنوان متغیر میانجی و متغیر عملکرد خانواده به عنوان متغیر ملاک (وابسته) در نظر گرفته شده است. برای انجام معادلات ساختاری از نرم‌افزارهای Spss و ویرایش بیست و پنجم و Amos و ویرایش بیست و ششم استفاده شده است. برای تعیین میزان رابطه بین متغیرها، ضریب همبستگی پیرسون محاسبه شد. ضرایب رگرسیون اثرات مستقیم، غیر مستقیم و کل برای مسیرهای مدل، برآورد شده است. برای ارزشیابی مدل ساختاری پژوهش از مدل تحلیل عاملی تأییدی استفاده گردید. شاخص‌های برازش مدل اعم از ریشه میانگین توان دوم خطای

1 . Bentler, P.M & Bonett, D.G.

2 . Simple Random Sample

تقریباً، شاخص برازندگی تعدیل نشده^۲، شاخص برازندگی تعدیل شده^۳، شاخص برازش نرم^۴، شاخص برازش نسبی^۵ و شاخص برازش مقایسه‌ای^۶ محاسبه شده است.

ابزار اندازه‌گیری

پرسش‌نامه تعارضات زناشویی MCQ: این پرسش‌نامه توسط ثنایی ذاکر (۱۳۸۷) ساخته شده است که دارای ۴۲ گویه بر روی مقیاس لیکرت ۵ درجه‌ای از هرگز (۱) تا همیشه (۵) است. این پرسش‌نامه دارای هفت خرده مقیاس کاهش همکاری، کاهش رابطه جنسی، افزایش واکنش‌های هیجانی، افزایش جلب حمایت فرزند، افزایش رابطه فردی با خویشاوندان خود، کاهش رابطه خانوادگی با خویشاوندان همسر و دوستان و جدا کردن امور مالی از یکدیگر است. بیشترین نمره کل پرسش‌نامه ۲۱۰ و کمترین آن ۴۲ است. آلفای کرونباخ برای کل پرسش‌نامه روی یک گروه ۳۲ نفری برابر با ۰/۵۳ و برای ۷ خرده مقیاس آن از این قرار بود: کاهش همکاری ۰/۳، کاهش رابطه جنسی ۰/۵۰، افزایش واکنش‌های هیجانی ۰/۷۳، افزایش جلب حمایت فرزند ۰/۶۰، افزایش رابطه فردی با خویشاوندان خود ۰/۶۴، کاهش رابطه خانوادگی با خویشاوندان همسر و دوستان ۰/۶۴ و جدا کردن امور مالی از یکدیگر ۰/۵۱. همچنین پرسش‌نامه تعارضات زناشویی از روایی محتوایی مناسبی برخوردار است (رسولی، ۱۳۹۵). در این پژوهش نیز ضرایب پایایی بر اساس آلفای کرونباخ برای کاهش همکاری ۰/۹۶، کاهش رابطه جنسی ۰/۹۷، افزایش واکنش‌های هیجانی ۰/۹۶، افزایش جذب حمایت فرزند ۰/۹۶، افزایش رابطه فردی با خویشاوندان خود ۰/۹۵، کاهش رابطه خانوادگی با خویشاوندان همسر و دوستان ۰/۹۴، جدا کردن امور مالی ۰/۹۷ و نمره ضریب پایایی کلی تعارضات زناشویی ۰/۹۸ برآورد گردید. همچنین؛ روایی محتوایی نیز با استفاده از نظر متخصصان حوزه روانشناسی مطلوب گزارش شد.

ابزار سنجش خانواده FAD: ابزار سنجش خانواده^۷، یک ابزار ۶۰ گویه‌ای بر روی مقیاس لیکرت ۴ درجه‌ای از موافقم (۱) تا کاملاً مخالفم (۴) است، که برای سنجش عملکرد خانواده بر اساس مدل عملکرد خانواده مک مستر^۸، برای افراد ۱۲ سال به بالا، تدوین شده است. ابزار سنجش خانواده با هدف توصیف ویژگی‌های سازمانی و ساختاری خانواده تهیه شده است، این الگو خصوصیات ساختاری، شغلی و تعاملی خانواده را مشخص می‌کند و شش بعد از عملکرد خانواده شامل؛ حل مشکل، ارتباط، نقش‌ها، همراهی عاطفی، آمیزش عاطفی و کنترل رفتار را مشخص می‌کند.

- 1 .RMSEA
- 2 . GFI
- 3 . NFI
- 4 . IFI
- 5 . RFI
- 6 . CFI
- 7 . Family Assessment Device
- 8 . McMaster Model of Family Functioning

بنابراین ابزار سنجش خانواده متناسب با این شش بعد، از شش خرده مقیاس برای سنجیدن آنها، به‌علاوه، یک خرده مقیاس هفتم مربوط به عملکرد کلی خانواده تشکیل شده است. در پژوهش رسولی (۱۳۹۵) پایایی کل این پرسش‌نامه ۰/۹۳ و همچنین برای خرده مقیاس‌های، حل مشکل، ارتباط، نقش‌ها، همراهی عاطفی، آمیزش عاطفی و کنترل رفتار به ترتیب مقادیر (۰/۷۷، ۰/۷۸، ۰/۶۵، ۰/۶۵، ۰/۷۰، ۰/۷۳، ۰/۷۰) به دست آمد. در پژوهش بخشی پور و همکاران (۱۳۹۰) نیز همسانی درونی به روش آلفای کرونباخ برای کل مقیاس‌ها برابر با ۰/۸۹ و برای خرده مقیاس‌ها به‌صورت زیر بوده است: حل مشکل ۰/۸۷، ارتباط ۰/۷۲، نقش‌ها ۰/۷۵، همراهی عاطفی ۰/۶۹، آمیزش عاطفی، ۰/۷۱، کنترل رفتار ۰/۸۱ و عملکرد کلی ۰/۷۷. گزارش شده است. همچنین در این پژوهش نیز ضرایب پایایی بر اساس آلفای کرونباخ برای خرده مقیاس حل مشکل ۰/۹۷، پاسخگویی عاطفی ۰/۹۵، ارتباط ۰/۹۷، نقش‌ها ۰/۹۸، کنترل رفتار ۰/۹۵، آمیزش عاطفی ۰/۹۵ و عملکرد کلی ۰/۹۸ برآورد گردید.

پرسش‌نامه نگرش به خیانت زناشویی: واتلی^۱ (۲۰۰۸) این مقیاس را تهیه کرد و دارای ۱۲ گویه است. این گویه‌ها شامل «وفادار نبودن هرگز به کسی آسیب نمی‌رساند» و «وفادار نبودن به یکدیگر امری طبیعی است» می‌شدند. پاسخ‌ها در یک مقیاس هفت درجه‌ای لیکرت از کاملاً موافقم (۷) تا کاملاً مخالفم (۱) تنظیم شده‌اند. سوالات ۲، ۵، ۶، ۷، ۸، ۱۲ به‌صورت منفی نمره‌گذاری می‌شوند. کمینه نمره‌ای که فرد در این مقیاس به دست می‌آورد، ۱۲ و بیشینه آن ۸۴ است. واتلی ضریب آلفای کرونباخ را بین ۰/۸۷ تا ۰/۹۰ گزارش کرد که نشان‌دهنده همسانی درونی بالای این پرسش‌نامه است (شیوه و موسوی، ۱۳۹۳)، همچنین عجم (۲۰۱۴) در پژوهش خود ضریب آلفای کرونباخ را ۰/۹۱، شیوه و موسوی (۱۳۹۳) ۰/۸۶، یوسفی، کریمی‌پور و امانی (۱۳۹۵) ۰/۸۵ گزارش کردند. علی‌تبار، قنبری، زاده محمدی و حبیبی (۱۳۹۲) نیز ضریب بازآزمایی این پرسش‌نامه را ۰/۸۷ گزارش کردند. در این پژوهش نیز ضرایب پایایی بر اساس آلفای کرونباخ ۰/۹۱ به دست آمد.

یافته‌ها

برای آزمون مدل مفهومی از روش مدل‌یابی معادلات ساختاری استفاده شد. با توجه به اینکه مبنای تجزیه‌وتحلیل الگوهای علی ماتریس همبستگی است لذا، جدول ۱ میانگین، انحراف معیار، حداقل، حداکثر، چولگی و کشیدگی نمره و جدول ۲ همبستگی بین متغیرهای پژوهش را نشان می‌دهد. جدول ۱. شاخص‌های توصیفی (میانگین، انحراف معیار و حداقل و حداکثر نمره، چولگی و کشیدگی) نمونه شرکت‌کننده در پژوهش حاضر و جدول ۲. نتایج آزمون همبستگی پیرسون برای بررسی رابطه بین متغیرهای پیش‌بین، میانجی و ملاک را در پژوهش حاضر نشان می‌دهد. مندرجات آن حاکی از آن است که تمام متغیرهای پژوهش، دارای همبستگی معنی‌داری هستند. این امر حکایت از انتخاب مناسب متغیرها در این پژوهش، بر اساس پیشینه پژوهشی و مطالعات انجام گرفته در گذشته دارد. این تحلیل‌های همبستگی بینشی در خصوص روابط دو متغیری بین

1 . Whatley, M.A.

متغیرهای پژوهش را فراهم می‌کنند. جهت آزمون همزمان مدل روابط مفروض در پژوهش حاضر، از مدل یابی معادلات ساختاری^۱، استفاده شد.

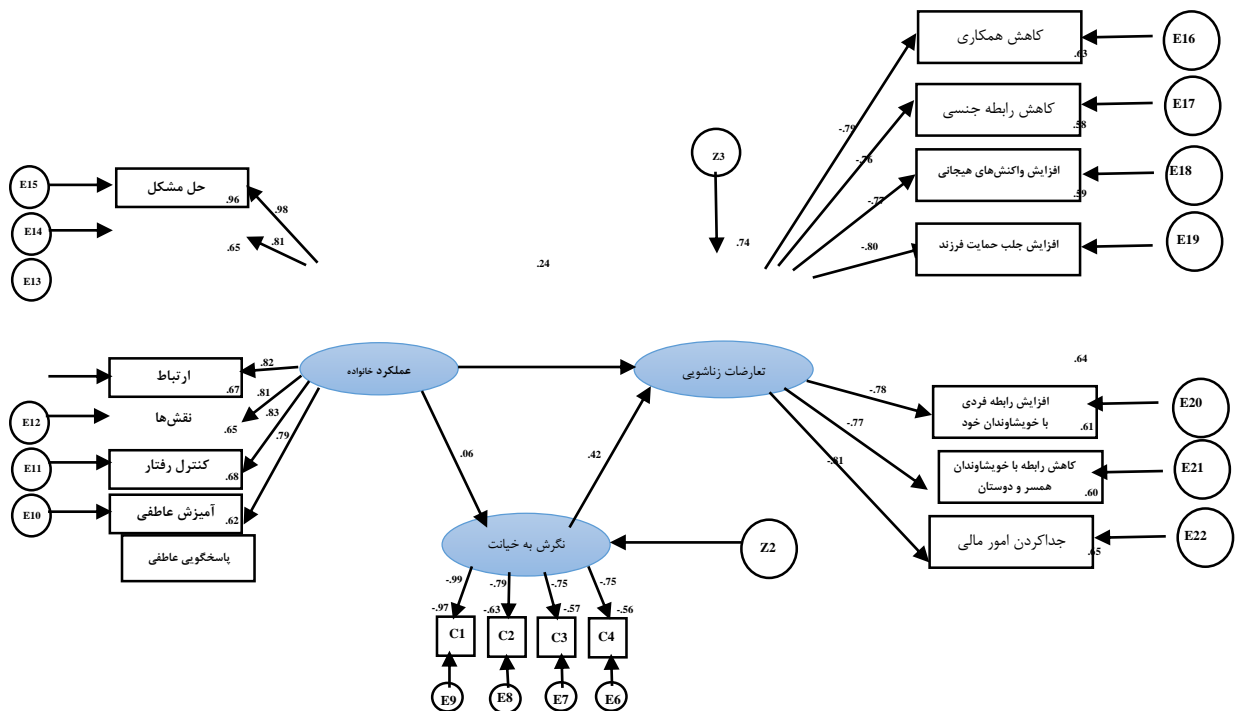
قبل از تحلیل داده‌ها با استفاده از روش آماری مدل یابی معادلات ساختاری ابتدا پیش فرض‌های بهنجاری چند متغیری، خطی بودن، هم خطی چندگانه آزمون و تأیید شدند. جهت بررسی نرمال بودن داده‌ها از آزمون‌های کجی و کشیدگی استفاده شد؛ با توجه به اینکه بازه اعداد چولگی بین ۱ و ۱- و کشیدگی بین ۳ و ۳- است در نتیجه فرض نرمال بودن داده‌ها در کل نمونه‌های پژوهش مورد تأیید است. جهت بررسی هم خطی چندگانه، از آماره تحمل و عامل تورم واریانس^۲ استفاده شد و برای همه متغیرها آماره VIF، کمتر از ۱۰ و آماره تحمل بیشتر از ۰/۱ بود. لذا مفروضه عدم هم خطی چندگانه رعایت شده بود. با توجه به رعایت مفروضه‌ها می‌توان برآزندگی الگوی پیشنهادی بر اساس معیارهای برآزندگی ارزیابی کرد. برآزش الگوی کلی آزمون شده پیشنهادی را برای کل آزمودنی‌ها بر اساس شاخص‌های برآزندگی نشان می‌دهد.

جدول ۱. شاخص‌های آمار توصیفی متغیرهای تحقیق

نام متغیر	تعداد	کمترین مقدار	بیشترین مقدار	میانگین	انحراف معیار	چولگی	کشیدگی
حل مشکل	۳۰۰	۱	۴	۲/۷۲۲	۱/۰۴۵	۰/۶۲۳	۰/۰۴۲
پاسخگویی عاطفی	۳۰۰	۱	۴	۲/۶۴	۰/۹۷۵	۰/۱۱۵	-۰/۶۰۳
ارتباط	۳۰۰	۱	۴	۲/۶۶۵	۰/۹۷۷	۰/۱۹۶	۰/۱۰۱
نقش‌ها	۳۰۰	۱	۴	۲/۷۲۷	۰/۹۹	۰/۲۳۲	-۰/۰۴۷
کنترل رفتار	۳۰۰	۱	۴	۲/۶۲۳	۰/۹۴۷	۰/۲۷۸	۰/۳۸۹
آمیزش عاطفی	۳۰۰	۱	۴	۲/۶۶۷	۰/۹۶۳	۰/۱۵۷	-۰/۵۲۱
عملکرد خانواده	۳۰۰	۱/۰۷۷	۳/۹۵۸	۲/۶۷۴	۰/۸۵۲	۰/۰۳۷	-۰/۵۵۶
تعارضات زناشویی	۳۰۰	۱/۱۴	۴/۹۰۷	۳/۰۷۲	۱/۰۲۶	-۰/۰۶۹	-۰/۳۸۵
نگرش به خیانت	۳۰۰	۱	۷	۳/۴۸۲	۱/۵۵۱	۰/۰۱۰	-۰/۶۴۴

1 . Structural equation modeling

2 . VIF



نمودار ۱. ضرایب استاندارد مسیر مدل کلی پیشنهادی کلی آزمون شده
جدول ۴. اثرات مستقیم متغیرهای پژوهش

اثرات متغیرها	برآورد ضریب استاندارد	خطای معیار	نسبت بحرانی (C.R)	مقدار معناداری	نتیجه
عملکرد خانواده نگرش به خیانت	-.۱۷۲	-.۰۸۵	۵/۸۷	کوچکتر از ۰/۰۰۱	تأیید رابطه
عملکرد خانواده تعارضات زناشویی	-.۲۴۲	-.۰۷۶	۳/۰۵۵	۰/۰۰۲	تأیید رابطه
نگرش به خیانت تعارضات زناشویی	۰/۴۳۴	۰/۰۲۸	۸/۴۸۹	کوچکتر از ۰/۰۰۱	تأیید رابطه

همان‌طور که در جدول ۴، مشاهده می‌شود ضریب استاندارد بین دو متغیر عملکرد خانواده و نگرش به خیانت $+.۱۷۲$ و نسبت بحرانی $۵/۸۷$ (برای معنادار بودن یک ضریب، نسبت بحرانی آن باید خارج از بازه $(۱/۹۶، -۱/۹۶)$ باشد و این رابطه مستقیم با ۹۵% اطمینان معنی‌دار است. ضریب استاندارد بین دو

متغیر عملکرد خانواده و تعارضات زناشویی ۰/۲۴۲ و نسبت بحرانی ۳/۰۵۵ است و این رابطه مستقیم با ۹۵٪ اطمینان معنی‌دار است. ضریب استاندارد بین دو متغیر نگرش به خیانت و تعارضات زناشویی ۰/۴۲۴ و نسبت بحرانی ۸/۴۸۹ و این رابطه مستقیم با ۹۵٪ اطمینان معنی‌دار است.

جدول ۵. اثرات غیرمستقیم و کل متغیرهای پژوهش

اثرات متغیرها	برآورد ضریب استاندارد	خطای معیار	نسبت بحرانی (C.R)	مقدار معناداری	نتیجه
عملکرد خانواده ← نگرش به خیانت ← تعارضات زناشویی	۰/۲۷۲	-	۲/۶۱۱	-	تأیید رابطه
اثرات کل	عملکرد خانواده ← تعارضات زناشویی (به واسطه نگرش به خیانت)		۰/۲۶۹		
	عملکرد خانواده ← نگرش به خیانت		۰/۵۵۴		

برای رابطه غیرمستقیم دو متغیر عملکرد خانواده و تعارضات زناشویی از طریق متغیر میانجی نگرش به خیانت ضریب استاندارد ۰/۲۷۲ و نسبت بحرانی ۲/۶۱۱ است و این رابطه غیرمستقیم با ۹۵٪ اطمینان معنی‌دار است.

جدول ۶. خلاصه نتایج مدل رگرسیونی

مدل	ضریب همبستگی چندگانه	ضریب تعیین	ضریب تعیین تعدیل شده	خطای معیار Durbin-Watson	ضریب
پیش‌بینی تعارضات زناشویی از طریق مؤلفه‌های عملکرد خانواده	۰/۷۱۲	۰/۵۰۶	۰/۴۹۶	۰/۷۲۸	-
پیش‌بینی تعارضات زناشویی از طریق مؤلفه‌های عملکرد خانواده و نگرش به خیانت	۰/۸۱۳	۰/۶۶	۰/۶۵۱	۰/۶۰۶	۲/۰۹۷
پیش‌بینی نگرش به خیانت از طریق مؤلفه‌های عملکرد خانواده	۰/۵۱۷	۰/۲۶۷	۰/۲۵۲	۱/۳۴۲	۲/۰۰۹

با توجه به مندرجات جدول ۶، که فقط مؤلفه‌های عملکرد خانواده در پیش‌بینی تعارضات زناشویی حضور دارند، ضریب تعیین برابر ۰/۵۰۶ است که یعنی مؤلفه‌های عملکرد خانواده ۵۱ درصد از تغییرات متغیر تعارضات زناشویی را بیان می‌کنند. با اضافه شدن متغیر نگرش به خیانت ضریب تعیین به ۰/۶۶ افزایش می‌یابد که یعنی این متغیر به‌تنهایی سهم ۱۵ درصدی در بیان تغییرات متغیر تعارضات زناشویی دارند که معنادار هم هست.

بحث و نتیجه‌گیری

این پژوهش با هدف مدلیابی معادلات ساختاری پیش‌بینی تعارضات زناشویی بر اساس عملکرد خانواده مبتنی بر الگوی مک‌مستر، با میانجی‌گری نگرش به خیانت در زوجین شهر شیراز انجام گردید. نتایج نشان داد که مدل ساختاری پیشنهادی از برازش مطلوبی برخوردار بود و متغیرهای پیش‌بین و میانجی اثر مستقیم و غیر مستقیم معنی‌داری بر نگرش به خیانت زوجین دارند. همچنین نتایج بیان‌گر وجود رابطه عکس بین مؤلفه‌های عملکرد خانواده و تعارضات زناشویی است. این یافته‌ها با نتایج پژوهش‌های هوشمندی، احمدی و کیامنش (۱۳۹۸)، تولورنلک (۲۰۱۴)، لیندسی و همکاران (۲۰۰۶)، کالیان و سیوگک (۲۰۰۹)، کانتک و گزر (۲۰۰۹)، فینچمن (۲۰۰۱) و روی (۱۹۹۸) همسو است.

در تبیین یافته‌ها می‌توان بیان کرد که، خانواده در حکم بافت سلولی برای اندام‌های اجتماعی عمل می‌کند و از زمانی که عملکردهای خود را آغاز می‌کند برقراری پیوند محکم و دائم بین زن و مرد تحقق می‌یابد، امری که از آن تحت عنوان ازدواج نام برده می‌شود. یکی از عملکردهای مهم خانواده، برقراری روابط عاطفی بین زن و مرد و گسترش سلامت روان‌شناختی است که مایه آرامش هردوی آنها می‌شود. یکی از مشکلات شایع در خانواده تعارض زناشویی است. تقریباً هیچ زن و شوهری با نیت طلاق با هم وصلت نمی‌کنند اما تحولات جریان زندگی زوجها را به سمت اختلاف، درگیری، جدایی روانی-عاطفی و گاه طلاق سوق می‌دهد (بهاری، ۱۳۷۸)؛ با این حال به نظر می‌رسد که شدت تعارض به‌تنهایی تعیین‌کننده ثبات زندگی زناشویی نیست زیرا گاه شرایط شخصی هر یک از زوجها مانند تاب‌آوری؛ صبر؛ امید؛ گذشت و شیوه‌های حل تعارض زناشویی می‌تواند حتی در صورت وجود دامنه طبیعی تعارض برای حداقل یکی از زوجها تحمل همان میزان تعارض نیز دشوار باشد. با وجود این تعارضات می‌تواند منجر به ضعیف شدن روابط زناشویی، ضعیف شدن سازگاری کودکان، احتمال افزایش تعارض بین والدین و فرزندان و نیز بین خویشاوندان شود (عجم، ۲۰۱۴).

نتایج این پژوهش نشان داد که تعارضات زناشویی، عملکرد خانواده و نگرش به خیانت در این زمینه تأثیرگذارند. بر این مبنا الگوی مک‌مستر در مورد ارزیابی عملکرد خانواده بر رویکرد سیستمی استوار است که در آن ساختار، چگونگی سازماندهی و الگوهای تبادلی خانواده مورد بررسی قرار می‌گیرد. اصول بنیادی این الگو عبارت‌اند از: ارتباط میان بخش‌ها و اجزای خانواده با یکدیگر، قابل درک نبودن یک جزو جدای از سایر اجزای خانواده، نقش مهم ساختار و الگوهای تعاملی خانواده در تعیین و شکل‌دهی رفتار اعضای خانواده و این که کارکرد خانواده چیزی است بیش از کارکرد مجموع اجزای آن است، مورد بررسی قرار می‌دهد (مستوفی سرکاری، قمری و حسینیان، ۱۳۹۸). بر اساس یافته‌های پژوهش یکی از دلایل رضایت حداکثری برخی افراد از زندگی زناشویی خود، کنترل‌گری بالایی آنها بر تعارضات زناشویی است؛ به گونه‌ای که اگر شدت تعارضات زناشویی

را در دامنه‌ای از کم تا زیاد درجه‌بندی کنیم، شدت این تعارضات و میزان بحران‌سازي آنها در زندگي زناشویی افراد زياد است. علت این مسأله در نوع واکنش و راهبردهایی است که این افراد در مواجهه با موقعیت‌ها و زمینه‌های تعارض برانگیز اتخاذ می‌کنند. یکی از مهم‌ترین مسائلی که در هر یک از راهبردهای اتخاذ شده به چشم می‌خورد، دوری از تفکر برنده و بازنده بودن است؛ به این معنا که «اگر شکست ندهم، شکست می‌خورم»؛ یعنی مشکل شناسی و تلاش برای رفع مشکل به جای تلاش برای مقصرشناسی، استفاده از کلام محبت‌آمیز و به دور از اهانت و عدم دخیل کردن اطرافیان و نزدیکان در چاره‌جویی برای مشکلات زناشویی است.

هر چند پژوهشی در زمینه تدوین مدل ساختاری متغیرهای تعارضات زناشویی بر اساس عملکرد خانواده مبتنی بر الگوی مک‌مستر، با میانجی‌گری نگرش به خیانت صورت نگرفته است، اما تأثیر هر یک از متغیرها به صورت منفرد به نوعی به صورت مستقیم و غیرمستقیم مورد مطالعه قرار گرفته و کارایی آنها در کاهش تعارضات زناشویی، افزایش تعاملات مثبت، صمیمیت، سلامت روان و کاهش دلزدگی در زوجین بررسی شده است. از این جهت با یافته‌های پژوهش‌های یوسفی و همکاران (۱۳۹۵)، علی‌تبار و همکاران (۱۳۹۲)، شیوه و موسوی (۱۳۹۳)، عجم (۲۰۱۴)، واتلی (۲۰۰۸) و اسپتون و همکاران (۱۹۸۳) همسو است.

به‌طور کلی یافته‌ها نشان می‌دهد که الگوهای عملکردی خانواده نقش مهمی در پیش‌بینی تعارضات زناشویی و نگرش زوجین به خیانت دارد. بر اساس رویکردهای نظری مختلف، تبیین‌های متفاوتی در مورد سبب‌شناسی تعارضات زناشویی ارائه شده‌اند. یکی از این تبیین‌های جامع، بر گرفته از آرای ویلیام گلاسر است که بر اساس نظریه انتخاب (شیوه و موسوی، ۱۳۹۳) ارائه کرد. بر این اساس، تعارضات زناشویی ناشی از ناهماهنگی زن و شوهر در نوع نیازها و روش ارضای آن، خودمحوری، اختلاف در خواسته‌ها، طرحواره‌های رفتاری و رفتار غیرمسئولانه نسبت به ارتباط زناشویی و ازدواج است. او معتقد است همه انسان‌ها با پنج نیاز ژنتیکی، نیاز به عشق و تعلق^۱، آزادی^۲، قدرت^۳، تفریح^۴ و نیاز به بقا^۵ متولد می‌شوند و تمامی رفتارهای افراد از جمله رفتارهای زناشویی در جهت تأمین این نیازها است. میزان اهمیت و اولویت این پنج نیاز از فردی به فردی دیگر متفاوت است و آگاهی افراد از الگوی منحصر به فرد نیازهای اساسی خود، می‌تواند نقش مهمی در اتخاذ انتخاب‌های سالم و سازنده در زندگي فردی و اجتماعی افراد داشته باشد (گلسر، ۲۰۰۰، ۱۹۹۸) و برای نمونه، افرادی که دارای درجات بالای نیاز به آزادی باشند؛ بیشتر در معرض تعارضات و نارضایتی در روابط بین فردی عمیق خود به‌خصوص روابط زناشویی قرار می‌گیرند؛ افزون بر این، نیازهای عشق و تعلق و تفریح در رضایت زناشویی نقش مؤثری ایفا می‌کنند و هر

1. Love and belonging
2. Freedom
3. Power
4. Fun
5. Survival

قدر در افراد بالاتر باشند، موجب بهبود بیشتر رضایت زناشویی آنها می‌شوند؛ همچنین بنیان مشکلات روان‌شناختی از جمله خیانت در ناتوانی فرد در شناخت، ابراز و کنترل احساسات، عواطف و هیجان‌های او در روابط بین فردی و رابطه با خویش است. هرگاه بنا به دلایل درونی یا بیرونی احساسات در فرد سرکوب شوند، این احساسات سرکوب‌شده از بین نمی‌روند بلکه از مسیر درست خویش منحرف گشته و در نامنتظره‌ترین لحظات و به شکل‌های غیرواقعی (احساسات متضاد و یا بیماری‌های روان‌تنی) خود را ابراز می‌کنند و مشکلات عدیده‌ای را برای فرد به همراه می‌آورند. در مورد محدودیت‌های پژوهش حاضر می‌توان اذعان کرد از آنجاکه موضوع پژوهش یکی از موضوعات بسیار چالش‌برانگیز در سطح جامعه به شمار می‌آید و از تابوهای جامعه است می‌توانست صداقت در پاسخگویی به پرسش‌نامه‌ها را زیر سؤال ببرد. از این رو به دلیل مسائل فرهنگی و اجتماعی جامعه و قوانین جامعه اسلامی، مخاطبین از ابراز واقعیت‌ها طفره رفته و تمایلی به ابراز واقعیت نداشتند. یکی دیگر از محدودیت‌های پژوهش، تحقیقات اندکی است، که به‌طور اخص در زمینه خیانت زناشویی و بررسی ابعاد آن پرداخته است، بنابراین امکان مقایسه نتایج تحقیق با سایر تحقیقات داخلی را با مشکل روبرو کرد؛ همچنین با توجه به این‌که کلیه شرکت‌کنندگان در این پژوهش از شهر شیراز بودند، بنابراین به دلیل ویژگی‌های خاص خرده‌فرهنگ‌های ایرانی و شرایط بومی متفاوت، نتایج این تحقیق با احتیاط مورد استفاده قرار گیرد.

با توجه به اینکه چالش‌های نگرش به خیانت زناشویی در جامعه ایران رو به افزایش است و دشواری‌های فراوانی را برای خانواده‌ها و هم اجتماع ایجاد کرده است، پیشنهاد می‌شود که درمانگران در این گستره توجه بیشتری روی درمان‌های فردی و آمیزه‌ای داشته باشند و در مشاوره‌های پیش از پیوند زناشویی نگرش‌ها، گرایش، اختلالات و مشکلات فردی کشیده شونده به خیانت زناشویی درمانجویان را شناسایی و درمان کنند. همچنین جهت افزایش محدوده تعمیم‌پذیری یافته‌ها، این پژوهش در نمونه وسیع‌تر و جوامع دیگر نیز تکرار شود تا تناسب مدل ارائه شده را مورد بررسی بیشتر قرار دهد. همچنین پیشنهاد می‌شود که پژوهشگران، مدل پژوهش حاضر را در زنان متأهل سایر شهرها و در سنین مختلف آزمون کنند. استفاده از مطالعات طولی و سایر روش‌های تحقیق (ترکیبی شامل کیفی و کمی) می‌تواند برای بررسی این مطالعه سودمندتر باشد. به این صورت که پیشنهاد می‌شود با استفاده از یک مطالعه کیفی به بررسی عوامل مؤثر بر نگرش به خیانت زناشویی پرداخته شود. استفاده از چندین روش اندازه‌گیری همزمان مانند مشاهده و مصاحبه برای متغیرهای تأثیرگذار بر نگرش به خیانت زناشویی بهتر می‌تواند نقش این متغیرها را نشان دهد و نظر به اینکه سازه‌هایی چون نگرش به خیانت زناشویی بخشی از فرایندهای پیچیده‌ای است که به‌طور کامل در پژوهش جاری طراحی نشده است، پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آینده به دیگر عوامل پیشابند از جمله به ویژگی‌های شخصیتی، ویژگی‌های هیجانی

و کارکردهای زناشویی دیگر مانند خودتنظیمی زناشویی، دزدگی زناشویی و احساس مثبت به همسر و صمیمیت زناشویی نیز پرداخته شود.

تعارض منافع

بنا بر اظهار نویسندگان مقاله حاضر فاقد هرگونه تعارض منافع بوده است.

References

Ajam, A.A. (2014). Explain the relationship between marital conflict and attitudes toward infidelity in marriage and its role in academic achievement. *First National Conference on Sustainable Development in Educational Sciences and Psychology, Social and Cultural Studies*. Center for Strategies for Sustainable Development and Mehr Arvand Institute.

Ahramiyan, A., sodani, M., gholamzadeh jefreh, M. (2021). The effectiveness of solution - focused therapy on attitudes toward marital infidelity and marital intimacy of married people. *Scientific Journal of Psychological Sciences*. 20(101): 799-811. (In Persian).

Alitabar, S.A., Ghanbari, S., Zadeh Mohammadi, A. (2014). Habibi M. The Relationship Between Premarital Sex and Attitudes Toward Infidelity. *Journal of Family Studies*, 10(38): 255-267, (In Persian).

Baharie, F. (2000). Evaluation and comparison of family efficiency between non-divorced couples and divorced couples referred to the psychiatric ward of the Forensic Medicine Organization, *Master Thesis in Consulting*. Tehran Teacher Training University, (In Persian).

Bakhshiepoor, B.A., Asadi, M., Kiani, A.R., Shiralipour, A., Ahmaddost, H. (2012). The relationship between family functioning and marital conflicts of couples on the verge of divorce, *Journal of Knowledge and Research in Applied Psychology*. 13(48): 10-19. (In Persian).

Baucom, D.H., Snyder, D.K., Gordon, K.C. (2009). *Helping couples get past the affair: a clinicians guide*, Guilford Press: New York, 1.

Byers, E. S. (1996). How well does the traditional sexual script explain sexual coercion? Review of a program of research. *Journal of Psychology & Human sexuality*, 8(1), 7-25.

Bentler, P.M & Bonett, D.G. (1980). Significance tests and goodness of fit in the analysis of covariance structures. *Psychological Bulletin*. 88 (3): 588-606.

Buss, D.M & Shackelford, M. (1997). Susceptibility to infidelity in the first year of marriage *Journal of Res Pers*, 31(2): 193-221.

Callian, T& Siewgeok L. (2009). A study of marital conflict on measures on social support and mental health. *Sunway Academic Journal*; 5(23),97-111.

Charny, I.W & Parnass, S. (1995). The impact of extramarital relationships on the continuation of marriages. *Journal of Sex Marital Ther.* 21(2): 100-115.

Epstein, N.B, Baldwin, L.M, Bishop, D.S. (1983). The McMaster family assessment device. *Journal of Marital and Family Therapy*, 9(11): 171-180.

Fincham, F& Beach, S. (1999). Conflict in marriage: implications for working with couples. *Journal of Annual Review psychology*, 23(5): 47-77.

Glass, S.P. (2003). *Not just friends: Protect your relationship from infidelity and heal the trauma of betrayal.*, Free Press: New York. 1.

Glasser, W. (2000). *Counseling with choice theory: The new Reality Therapy*; Harper Collins Publisher: New York, 1.

Glasser, W. (1998). *Choice theory, A new psychology of personal freedom.* Harper Collins Publisher: New York. 1

Grish, J.H & Fincham, F.D. (2001). Interpersonal Conflict and Child Development. *Theory, Research and Application.* Cambridge University Press.

Hawkins, A.J., Willoughby, B.J., Doherty, W.J. (2012). Reasons for Divorce and Openness to Marital Reconciliation. *Journal of Divorce Remarriage*, 53(6): 453-463.

Hooshmandi, R., ahmadi, K., kiamanesh, A. (2019). Analysis of the causes of marital conflict in the last two decades (*a systematic review*). 18(79): 819-828, (In Persian).

Hosseini, H. (2008). *Sociology of family breakdown and divorce*, Publishing Salman, Tehran. (In Persian).

Janus, S.S & Janus, C.L. (1993). The Janus report on sexual behavior., *Journal of Knowledge and Research in Applied Psychology*, New York: Wiley. 13(2): 11-19.

Kadivar, P., Eslami, A., Farahani, M.N. (2004). Investigating the Relationship between Family Interaction Structure (Family Function) and Coping Styles and Sex Differences in Pre-University Students. *Journal of Psychology and Educational Sciences*, 2(34): 97-123, (In Persian).

Kantek, F& Gezer, N. (2009). Conflict in schools: Student conflict management styles. *Journal of Nurse Education Today*. 29(8): 100-107.

Khosravi, A., Hydarnia, A., Nazifi, M. (2019). The role of Religious Attitude in Attitude towards Infidelity: The Mediating Role of Subjective Well-being. *Journal of Positive Psychology*. 5(3), 13-28. (In Persian).

Lindsey, E.W., Colwell, M.G., Frabutt, G.M, MacKinnon- Lewis, C. (2006). Family conflict in divorced and nondivorced families: Potential consequences for boys' friendship status and friendship quality. *Journal of Social and Personal Relationships*, 23(1): 45–63.

Mbwirire, J. (2017). Causes of marital conflicts in christian marriages in Domboshava area Mashonaland east province, Zimbabwe, Faculty of Applied Social Science, Zimbabwe Open University, Harare, Zimbabwe, International. *Journal of Humanities, Art and Social Studies (IJHAS)*, 1 (2), 59-75.

Mostofi sarkari, A., Ghamari, M., Hoseinian, S. (2019). Comparing the effectiveness of psychological education based on McMaster and Olson model on enhancing family coherence of women teachers. *Journal of Counseling and Psychotherapy Culture*, 10(37): 99-120, (In Persian).

Rasoli, A. (2017). Developing the Model of Family Functioning based on the Components of Hope, Intimacy and Marital Conflicts in Couples. *IJNR*. 12 (4):1-8, (In Persian).

Roy, M. (1998). *Beaten Women (Psychology of Violence in the Family)*. Translation by Mehdi Gharacheh Daghi, Scientific: Tehran.

Sanaaie, B. (2018). *Family and marriage scales*. First Edition. Tehran: Besat Publishing Institute, (In Persian).

Sanaaie Zaker, B. (2009). Triangulation and pathological triangles in family counseling. *Proceedings of the National Conference on Consulting*, Tehran: Behzisti Organization, 2, 17-28. (In Persian).

Shakelford, T.K., Buss, D.M., Bennett, K. (2010). Forgiveness or breakup: Sex differences in responses to a partner's infidelity. *Cognition and Emotion*, 16(2), 299-307.

Sharifi, M., Haji Heidari, M., Khorvash, F., & Fatehizadeh, M. (2012). The relationship between love schemas and relationship justification Extramarital affairs in married women in Isfahan. *Journal of Behavioral Science Research*. 10(6), 526-534. (In Persian).

Shive, S.h & Mosavi, A.A. (2015). Predicting Attitudes Toward Infidelity Based on Sexual Performance in Married Female Students. *The Second International Conference on Psychology, Educational Sciences and Lifestyle*. Mashhad, Torbat Heydariyeh University, (In Persian).

Snyder, D.K & Baucom, K.C. (2007). *Gordon, Getting past the affair: A program to help you cope, heal, and move on Together or apart*, New York: Guilford Press.

Sotoudeh, H. (2018). *Social Psychology*. Avae Noor Publications, Tehran, 1. (In Persian).

Tolorunleke, C.A. (2014). Causes Of Marital Conflicts Amongst Couples in Nigeria: Implication for Counselling Psychologists *Procedia, Social and Behavioral Sciences*, 42(8): 21 – 26.

Uthaug, M. V. (2016). The Relationship Between Narcissistic Traits and Attitude Towards Infidelity (Doctoral dissertation, Empire State College).

Waring, E.M. (2010). Enhancing Marital Intimacy through Facilitating Cognitive Self Disclosure. *Routledge*.

Whatley, M.A. (2008). Attitudes toward infidelity scale. *Journal of Social Psychol*, 133(1): 547-561.

Wishman, M. A, Sheldon, C. T., Goering, P. (2000). Psychiatric disorders and dissatisfaction with social relationships: Does type of relationship matter?. *Journal of Abnormal Psychology*, 109(4), 803- 808.

Young, M. E., & Long, L. L. (1998). *Counseling and therapy for couples*. Thomson Brooks/Cole Publishing Co.

Yousefi, N., Karimipour, B., Amani, A. (2017). Investigating the model of religious beliefs, conflict resolution styles and marital commitment with attitudes toward marital infidelity. *Bi-Quarterly Journal of Applied Counseling*, 7 (1): 64-47, (In Persian).

Zahrakar, K & Jafari, F. (2015). *Family counseling* (concepts, history, process and theories). Tehran: Arasbaran, (In Persian).

Structural Equation Modeling for Predicting of Marital Conflicts Pattern based on McMaster Family Performance Mediation of Attitudes Toward Infidelity in Shiraz Couples

Tahereh Rezaei^۱

Naser Amini^{*۲}

Ezat Deyreh^۳

Nazanin Honarparvaran^۴

Abstract

One of the important models in the study of family functioning is the McMaster family functioning model. The aim of this study was to find a model of the structural equations for predicting marital conflicts based on the McMaster model of family performance with a mediating role of the attitude of infidelity in couples in Shiraz. This study was a correlational and structural equation study in which 300 conflicting couples in Shiraz were randomly selected. Participants completed the Marital Conflict Questionnaire (MCQ), Family Assessment (FAD). Structural equation method and Pearson correlation coefficient and regression were used to analyze the findings. The results showed that there is a significant relationship between family functioning subscales with marital conflicts and attitudes toward infidelity ($P < 0.05$). Therefore, based on the findings of this study, it can be said that apart from the effective factors of family functioning, marital conflicts and attitudes toward infidelity in couples as mediating can be considered for the improvement and stability of the family system.

Keywords: Marital conflicts, family functioning, McMaster model, marital infidelity.

1. ph.D. Student, Department of Psychology, Bushehr Branch, Islamic Azad University, Bushehr, Iran.

2. Assistant Professor, Department of Psychology, Bushehr branch, Islamic Azad University, Bushehr, Iran. (Corresponding Author). n.amini@iaubushehr.ac.ir

3. Assistant Professor, Department of Psychology, Bushehr branch, Islamic Azad University, Bushehr, Iran.

4. Assistant Professor, Department of Consulting, Marvdasht branch, Islamic Azad University, Marvdasht, Iran.